نگاه

ضرورت‌های نوپدید برای احیای ارکان برنامه‌ریزی کشور

دکتر اسفندیار جهانگرد

برنامه‌ریزی تنها خاص کشورهای سوسیالیستی و درحال توسعه نبوده و در بیشتر کشورهای پیشرفته صنعتی نیز تجربه برنامه‌ریزی به نحوی وجود داشته و هنوز هم وجود دارد. در آمریکا برنامه‌ریزی در «نیو دیل» شهرت جهانی دارد. همچنین برنامه‌ریزی نواحی متروبلی از نیمه‌های دهه ۷۰ میلادی به بعد رایج‌تر هم شد‌است. منتهاد‌ر کشورهای پیشرفته صنعتی نگرش به برنامه‌ریزی، برخی از هدف‌ها و گاهی روش‌های آن دگرگون شده و از برنامه‌ریزی سنتی فاصله گرفته است. نمونه برنامه‌ریزی در کشورهای پیشرفته صنعتی زیاد است اما اینکه تاکنون، برنامه‌ریزی ملی به شیوه سنتی آن در کشورهای توسعه‌یافته در حال افول بوده دلایل متعددی دارد که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد:

- آشفتگی‌ها و عدم تعادل‌های اقتصادی
- دشواری پیش‌بینی آینده
- تنوع فزاینده در سیاست‌های اقتصادی و محدودیت نظریه‌ها
- پایان اجماع در مورد چگونگی نقش دولت در اقتصاد
- جهانی‌شدن، تحول در فناوری اطلاعات و ارتباطات و تحول نهادهای برنامه‌ریزی

نهادهای برنامه‌ریزی هم با افول ناشی از مولفه‌های فوق که باعث افول برنامه‌ریزی شد به سمت کاهش اعتبار حرکت کردند ولی به اندازه برنامه‌ریزی از اعتبار آن کم نشد. به‌عنوان نمونه برنامه‌های فراتسه بعد از آن، دارای چارچوب کلی کلان اقتصادی نبودند، بلکه در حول طرح‌های اولویت‌دار اجرا شده‌اند. علاوه بر تکات یادشده افول برنامه‌ریزی ملی دلایل دیگری هم دارد که می‌توان به شکل زیر در‌آورد. اول اینکه در بیشتر کشورهای پیشرفته با نمر کوزرنایی بی‌ربیسی از دو طریق تفویض اختیـار و برپایی دولت‌های نماینده‌ار منطقه‌ای (شامل محربه و مقننه) و محلی (شهرداری‌ها) نظام حکومتی خود را به سمت حکومت‌های فدرالیو برده‌اند؛ بنابراین برنامه‌ریزی یکشکل و یکنواخت کنار گذاشته‌شده و به مناطق (استان و شهرستان) و شهرداری‌ها محول شده است.

تغییرات فناوری همگانیه که گفته شد بیشتر با سلایق مصرفی و کاربردی مشترران نزدیک شده است، بنابراین برنامه‌ریزی به بازارهایی خاص و پرسلایق و شتاب‌آن توسط صنعت‌کنندگان سوق پیدا کرده و از حالت ملی و سنتی فاصله گرفته است. افزایش رشد اقتصادی و دستیابی به درآمدهای مرفه بالا باعث تغییر اولویت‌ها از مسایل صرف اقتصادی به مسایل اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی (برابری فرصت‌ها و اشتغال) و همچنین کالبدی- فضایی (تعیین کاربری زمین‌ها و مقررات استفاده از آنها و شبکه سکونت‌گاه‌ها) تغییر یافته است. در کشورهایی مانند آلمان، فلند، ژاپن و کره‌جنوبی برنامه‌ریزی مرکزی و ملی سنتی کنار رفته و برنامه‌ریزی زیست‌محیطی و فضایی رونق یافته است. سرشت برنامه‌ها نیز خواه در سطح ملی و خواه در سطح منطقه‌ای و محلی از کمی و انعطاف‌ناپذیری به کیفی و راهبردی (استراتژیک) نیز تغییر یافته و برنامه‌ریزی ملی در سند‌های کلی، بالبدامه است.

با بررسی موضوع برنامه‌ریزی در پایتخ به این سوال مهم که آیا برنامه‌ریزی ملی هنوز لازم است یا خیر؟ باید گفت که برای تمام کشورهای جهان نمی‌توان پاسخ یکسان داد. جواب این سوال به سطح توسعه‌یافتگی کشور، محدوده برنامه‌سری، امکانات دولت برای دخالت نوع برنامه‌ریزی که به لحاظ موضوع و چه به لحاظ روش و غیره بستگی دارد؛ بنابراین به‌جای لزوم و عدم لزوم برنامه‌ریزی باید بدنبال نظام برنامه‌ریزی مناسب آن کشور گشت به عبارت دیگر هر جامعه‌ای باید سایل خود را خواد، طرح کند و برای آن راحل بیابد. البته باید از تجارب ارزنده تاریخی خود و دیگر جوامع نیز استفاده کند. با این اوصاف در وضع و شرایط کنونی شوق خود همراه با پیچیدگی‌های ساختاری خاص خود، تحول و نگرش نسبت به برنامه‌ریزی لازم است و اصلاحات ساختاری گزیناپذیر است و برنامه‌ریزی به سبک برنامه‌های قدیمی به شرطی که هدف‌ها و محتوای برنامه‌ها از تو تعریف شوند می‌تواند در شیوه تو اندیشیدن و آفریدن برای اداره کشور مفید باشد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود:

- جهت فعالیت دولت به شکل اصلاح ساختاری، برنامه‌های تهیه شده و در آن نظام برنامه‌ریزی به گونه‌ای طراحی شود که: سرشت برنامه‌ها در سطح ملی از حالت کلی زیاد و انعطاف‌ناپذیر به حالت کیفی و راهبردی (استراتیک) تغییر یافته و برنامه‌ریزی ملی منحصر در حد رهنمودهای کلی باقی بماند. چرا که در حال حاضر بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه برنامه و گرافیر از نوع برنامه‌های پیشین خود- همانند ایران- رادچار مشکل متعدد کنار گذاشته‌اند.
- تهیه این برنامه ملی راهبردی مسوولیت دولت در ایفای کار دولت قلمداد شود و نیازی به تصویب آن در مجلس شورای اسلامی نباشد. این مهم به دلیل سالا بودن افزایش ضمانت اجرایی برنامه‌ها از یک طرف و از طرف دیگر عدم اولویت به نکاه منطقه‌ای مجلس شورای اسلامی به جای نگاه ملی در تهیه برنامه‌هاست. همچنین برای اصول و مقررات برنامه‌ریزی، قاعده‌ا باید اولو برنامه‌های پیچیده‌اند مصادف با تشکیل دور در هر دوره باشد و هر دولت در هنگام و در بدو اختیار گرفتن قوه‌مجریه باید برنامه‌های دوره مستقر و در معرض ارزیابی نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مردم باشد.
- تمرکززدایی به‌ویژه از دو طریق تفویض اختیـار و برپایی دولت‌های نماینده‌ار منطقه‌ای (شـامل محربه و مقننه) و محلی (شهرداری‌ها) نظام اداره کشور را در سند چشم‌انداز به سمت نظام فدرالی نزدیک کند و نظام برنامه‌ریزی علاوه بر مورز زمان کنار گذاشته شده و به مناطق (استان و شهرستان) و شهرداری‌ها محول شود. این مهم باعث می‌شود که در نظام تصمیم‌گیری، تصمیمات کماهیت به سطوح پایین‌تر محول شود و بر کیفیت و صرفه لازم برای تصمیم‌گیری‌هـای مهم برای مدیران رده بالا افزوده و کیفیت تصمیمات نیز ارتقا یابد.
- تلسیس یک نهاد فراگیر مستقل و تخصصی برای امر نظارت بر برنامه‌های توسعه؛ براساس تبصره ۲۴ قانون برنامه سازمان برنامه و بودجه مکلف به ارایه گزارش‌های مستمر شش‌ماه یکبار از عملکرد برنامه‌های توسعه بوده است. به عبارت دیگر در تجربه برنامه‌ریزی توسعه در ایران امر نظارت برعهده سازمان مسوول تدوین و اجرای برنامه گذاشته شده که البته حتی آن چیزی هم که قانون در همین سطح برای سازمان برنامه مسبور کرده به شکل مطلوبی عمل نمی‌شود.
- فرآیند تدوین برنامه‌های توسعه در کشور دچار خلأها و گسستگی‌هاست که عملا امکان ورود نظرات خلاقانه و بالاینشده را در برنامه‌ها ایجاد می‌کند. به‌عنوان مثال مگاه به هنگام بررسی قانون برنامه‌های پنج‌ساله در مجلس شورای اسلامی، پیشنهاد یک نماینده‌ا بر نظر گرفتن ملاحظات منطقه‌ای و نه ملی سبب اضافه یا تعدیل‌شدن یک ماده قانونی در یک فرصت زمانی کوتاه بدون تامل و حکاکی می‌شود. با توجه به توقف و گسسته نهادی که در سال‌های اخیر در امر برنامه‌ریزی به وجود آمده بود باید توجه شود که شرایط حال حاضر کشور فرصت خوبی برای بازنگری در نهادها و رویه‌های برنامه‌ریزی به شکلی نو در ایران است و صاحبنظران و متولیان برنامه‌ریزی باید با تامل بیشتر به امر بازسازی و بازنگری در نهادها و رویه‌های برنامه‌ریزی در ایران بپردازند و از تعجیل در اجرای صرف نهادها و رویه‌های گذشته بپرهیزند؛ بنابراین با توجه به طرح یک فوریتی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در ۲۸ خرداد ۹۲ و همچنین دیدگاه رییس‌جمهور منتخب مبنی بر احیای سازمان برنامه و بودجه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و در شرایط حاضر باید با توجه به مسایل روز دنیا، منطقه و داخل کشور، طراحی، سازماندهی و احیا شود.

• استادیار اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

محمد ستاری‌فر در گفت‌وگوی «شرق»:

اتهام «غربی» بودن ظلم بزرگی به سازمان برنامه بود

رضا غیبی

بحث احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی که باشد، دکتر محمد ستاری‌فر، حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد. ناگفته‌هایی از نوع مواجهه دولت‌ها با سازمان و چرایی شکست برنامه‌های نوسازی و به‌روزرسانی سازمان، برای همین سراغ رییس سابق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور رفتیم تا احیای مجدد سازمان برنامه و چالش‌های پیش‌روی دولت یازدهم را با وی در میان بگذاریم. به پیشنهاد من قرار شد مصاحبه در کافه‌ای دنج و آرام صورت گیرد و وقتی مشخص‌کردن کافه مورد نظر هم به خودم واگذار شد. اصلا فکر نمی‌کردم انتخابم زمینه‌ساز شنیدن خاطرات سال‌های دور دکتر ستاری‌فر و البته ملاقات وی با بسیاری از دوستان و صاحب‌منصبان قدیمی باشد. ستاری‌فر خوشحال بود از احیای مجدد سازمان برنامه، درست مثل کسی که فرزندش از اسارت بازگشته باشد. وی انتخاب «روحانی» را گامی رو به جلو ارزیابی کرد و همگرایی را لازمه موفقیت دولت وی دانست. ارتکاه فلک‌گونه به سازمان مدیریت در دولت‌های قبل از نهم کلایه کرد و بودجه سال ۹۲ را بزرگ‌ترین چالش پیش‌روی دولت خواند. ستاری‌فر اشـاره‌ای هم به هدفمندی یارانه‌ها داشت و صحبت‌های عجیبی در مورد تخلفات و عدد‌سازی‌های صورت‌گرفته در این حوزه کرد. گفت‌وگوی ما با دکتر محمد ستاری‌فر، رییس سابق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور را در ادامه بخوانید:

• ما از روزها بحث مشکلات و چالش‌های پیش‌روی رییس‌جمهور منتخب در حوزه اقتصاد مطرح است و این معضلات به گونه‌ای است که از فردای انتخابات کمیته‌های اقتصادی روحانی در حال تدوین برنامه‌های کوتاه، میان و بلندمدت اقتصادی هستند. ارزیابی شما از مشکلات پیش‌روی دولت یازدهم چیست؟

دولت دکتر روحانی نه تنها در حوزه اقتصاد، بلکه در تمام حوزه‌ها با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو خواهد بود. مشکلات پیش‌رو، گسترده، عمیق، متعدد و پایدار هستند و برای همین است که مردم بلند‌مدت سطح توقعات خود را تا سطحی بالا ببرند که دولت نتواند به وظایف، تعهدات و قول‌های داده شده عمل کند. اما نباید این موضوع را هم فراموش کرد که مطالبات گسترده مردم این امر دوی است به‌حق که باید توسط احزاب، رسانه‌ها، فرهیختگان و دولتمردان در سطوح مختلف و در حد طرف‌های زمانی و مکانی برش بخورد. به هر حال سال ۹۲ سالی است که در بهار آن رییس‌جمهور جدید انتخاب شد و از اواسط تابستان کابینه جدید تشکیل شد. همان‌طور که اشاره شد دولت جدید مشکلات بسیاری را پیش‌رو دارد و همین موضوع این سوال را مطرح می‌کند که چه کابینه‌ای می‌تواند از دریای مشکلات به سلامت عبور کند. من اجازه می‌خواهم چند نکته را بدا‌ر‌ور شوم که از لحاظ حقوق شهروندی بسیار مهم است. همان‌طور که اشاره شد در ۲۴ خرداد حضور کمنظیر مردم در پای صندوق‌های رای، تعجب همگان را به دنبال داشت و اکثریت رای‌های ماخوذه متعلق به آقای روحانی بود. از ۲۴ خرداد به بعد این رای یک ماهیت حقوقی، قانونی و شهروندی دارد که نسبت به روز قبل از سیار متفاوت است. به عبارت دیگر باید گفت این رای دارای حقوق مالکیت است. پس رییس‌جمهور منتخب باید به این نکته توجه داشته باشد که هدف مردم از رای‌دادن چه بوده است. علت حضور گسترده مردم به‌رغم تمام گمانه‌زنی‌ها از میزان مشارکت، خواست آنها برای سرلبندی سرزمین آرامش، ثبات اقتصادی و سیاسی، اشتغال‌زایی و کاهش بیکاری، افزایش سطح رفاه، ارتقای کرامت انسـانی و دیگر خواسـته‌های به‌حق بود. البته به نظر من تمام موارد یاد شده در اولویت‌های بعدی قرار دارند و برگ‌برنین خواسـته و دغدغه مردم ارتقای سـطح کرامت انسانی است که طی سال‌های اخیر تنزل یافته اسـت. رای مردم، رویکردهای مورد اشاره و در صدر آن کرامت و رفاه، دغدغه‌های مردم بود. پس از تعطیلی سـازمان، خود من سعی داشتم به هر طریق ممکن به احیای مجدد سازمان کمک کنم. به نظر من طرح چنین مسـایلی ظلم به کشـور اسـت چراکه فارغ از اعتقادات و دیدگاه‌های دینی، کسـی که در کار خود عملکرد خوبی داشته باشد و رضایت و رفاه مردم را مد نظر قرار داده باشد مسلمان است و به جرات می‌توانم بگویم از زمان شاه این نگاه در بدنه کارشناسی سازمان مدیریت حاکم بود.

عکس: مهدی حسنی- شرق

• آیا کوتاهی دولت با نداشتن فهم عمیق از مسایل به این نکته بـاز می‌گردد کـه می‌گویند خاتمی و طرفداران وی در هشـتمین انتخابات ریاسـت‌جمهوری انتظار پیروزی نداشتند و این پیروزی آنها را با چه کنوهای بسیاری روبه‌رو کرد؟

سوال بسیار مهمی را مطرح کردید که نیازمند کالبد شکافی است، ولـی این موضوع را به زمان دیگری واگذار می‌کنم و تنها به این نکته بسـنده می‌کنم که حرف شـما درست اسـت و ما آمادگی نداشتیم. البته باید این را هم گفت که در بیشتر مواقع حضور ما مردم ایران در پای صندوق‌های رای سـلبی اسـت و نه ایجابی. در ایران چون احزاب قدرتمند وجود ندارد مردم اکثرا رای می‌دهند تا مانع از پیروزی برخی از کاندیداها شوند. به نظر من تمکین تمام ارکان حاکمیت باید به رای مردم باشد. تحقق این مهم نیز نیازمند تعهد، وزرا به خواسـته‌های مردم و تشکیل یک قوه‌مجریه هماهنگ، همگرا و کارآمد است تا بتواند با کمک سـایر قوا پاسـخگوی مطالبات مردم باشـد. قطعا دکتر روحانی به این مسـاله واقف اسـت، چراکه برخلاف دیگران من بر این باورم که معیشـت عادل اصلی رای‌آوری نبود و دغدغه مردم در این انتخابات تنها معاش نبود و مسایل دیگری هم در آن دخیل بود. در این دوره مردم احسـاس می‌کردند آنطور که باید کرامتشـان پاس داشته نمی‌شود. این موضوع بسـیار مهمی اسـت که در بسـیاری از مواقع در نزد مردم نسـبت به معاش ارجحیـت دارد. بخطور مثال جنگ با عراق کشـور را فقیر کرده بود و مشـکلات بسـیاری در کشـور وجود داشـت اما نه تنها نارضایتی وجود نداشـت بلکه مردم احسـاس کرامت داشـتند. در سال‌های اخیر کرامت مردم مورد تعرض قرار گرفت و برای همین اسـت که می‌گویم برگرداندن کرامت بسـیار مهم‌تر از معاش بود. پس اگر بخواهیم دلیل موفقیت دکتر روحانی در انتخابات را مورد بررسی قرار دهیم به اینجا می‌رسیم که یک سلسـله مشـکلات بزرگ پیش‌روی مردم بود و بر همین اسـاس به کسـی رای دادند که جهت‌گیری تدریجی‌تری به مطالبات مردم داشت.

• اگر شما بر هماهنگی و همراهی وزرا در کابینه یادزهم‌اند است. اما گمانه‌زنی‌های روزهای اخیر نشـان می‌دهد که احتمال حضور سـابق‌ها، مختلف در کابینه وجود دارد و شـاید در صورت تحقق، همین موضوع پاشنه آشیل دولت یازدهم لقب بگیرد.

رییس‌جمهور منتخب باید چیدمانی از نیروهای همگرا داشته باشد. این روزها گروه‌های مختلف سیاسـی که بعضا پشت آنها رانت‌هایی هـم وجـود دارد در حال وزن‌کشـی برای کابینه یادزهم هسـتند. رییس‌جمهور منتخب باید هوشـمندانه با این موضوع برخورد کند چراکه در غیر این صـورت یک دولت ناهمگن و ناهنجاب خواهیم داشت که شرکت سهامی جناح‌های مختلف خواهد بود. در این صورت به جرات می‌توان گفت این دولت نه تنها اهداف و خواسـته‌های مردم را تحقق نخواهد بخشید، بلکه مشکلات فعلی را نیز عمیق‌تر خواهد کرد.

• ما در سال‌های مورد اشاره به یک سازمان قدرتمند‌تر و کاراتر از زمان ناصر نیاز داشتیم. اما درست در زمانی که باید بیدار می‌شدیم و به این سازمان احیایی ما دیم شروع به سرکوب این سازمان و در نهایت تعطیل کردن آن کردیم. در احیای مجدد دوران آقای موسوی، اعتماد بدنه جدا شده از سازمان با التمامی و مشفقانه‌های دوران جلب شد

اما من با شناختی که از آقای روحانی دارم معتقد هستم این اتفاق رخ نخواهد داد چراکه نظر ایشـان برقراری نظام تدبیر اسـت. از منظر علم اقتصاد این نظام دارای انضباط و انسـجام و همگرایی اسـت. البته دولت نباید از یک نحله فکری باشد بلکه حضور تفکرات دیگر نیز در کابینـه ضروری اسـت. چراکه این تفکرات مختلف هسـتند که می‌توانند مسایل و موضوعات مختلف را از زوایای گوناگون مورد مطالعه و بررسی قرار دهنـد. از این تفکرات مختلف در هیـات وزیران به همگرایی تبدیل شـوند می‌توان گفت کابینه‌ای همگرا وجود دارد که با بررسی همه‌جانبه موضوعات در نهایت حول یک تصمیم اتفاق‌نظر دارند که این تصمیم اتفاقی در دولت رخ دهد می‌تواند این امیدواری را داشـته که همگرایی از سطح دولت عبور کرده و با هماهنگی سایر قوا عاملی باشد برای شـاب‌گرفتن توسعه. در این صورت اسـت که می‌توان گفت توسعه شکل می‌یابد. حبله‌های رانتی را نمی‌پروراند، آرامش برقرار می‌شود و نگرانی‌های سیاسی و اقتصادی بر طرف می‌شود و در عرصه جهانی از ایران به‌عنوان دولت و ملت قابل پیش‌بینی یاد می‌شود. در صورت وجود این همگرایی است که می‌توانیم فرصت‌ها را شناسایی کنیم و با کاهش هزینه مبادله، سـرعت بیشتری در رشد اقتصادی و توسعه داشته‌باشیم.

• چه تضمینی برای تداوم و پایداری این همگرایی وجود دارد؟

با برقراری همگرایی در کابینه می‌توان گفت که فرصت توسـعه در کشور فراهم شده اسـت. در بسـیاری از مواقع بعد از اینکه همگرایی اولیه شکل گرفت به دلیل نبود برنامه، عدم مراقبت و احسـاس‌بودن، همگرایی شـکل گرفته به تعارض تبدیل می‌شـود. پـس باید از این همگرایی مراقبت شـود و همه موارد براسـاس برنامه پیگیری شود. یکی از روش‌های حفظ پایداری همگرایی در دولت، داشتن تشکیلات تصمیم‌ساز اسـت که یکی از این تشکیلات می‌تواند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی باشـد. با احیای مجدد سـازمان برنامـه، معاونت‌های برنامه‌ریزی هر وزارتخانه می‌توانند در یک رفت و برگشـت سرنخ‌گیر سـاماگونه، فرآیند مسـتمر تبادل اطلاعات را داشته باشند. سازمان مدیریت بـه این‌جا یا کمـک نخبگان و بدنه کارشناسـی خود و وزارتخانه‌ها باید تلفیق‌کننده برنامه‌ها و رویکردهای کلان کشور باشد. براسـاس نامه‌ای که مـن در دوران آقای خاتمی به رهبری نوشـتم سـازمان مدیریت در درون خود نیازمند بازسـازی و نوسـازی گسـترده بود تا از این طریق تعامل با سـازمان‌ها و تصمیم‌سـازی کارآمد در چارچوب تسـمه‌گرایی محقق شـود. پس اگر این سازمان بتواند جمن رسـمین به بازسـازی مورد نظر و وظایف خود عمل کرده و جریان مسـتمر رفت و برگشت اطلاعات را با وزارتخانه‌ها برقرار کند، می‌توانـد به همگرایی در درون دولت کمک کند و در طرف دیگر به میزانی که این سـازمان از قابلیت خود قدرت کند، این همگرایی به واگرایی تبدیل می‌شود. بنابر این نظام، تدبیری که آقای روحانی اشاره کرده اسـت به صورت اغلق و عمودی برنامه‌های زیادی در پیش‌رو دارد که یکی از آنها تشـکیل سازمان برنامه گوسرانت. در این شرایط سازمان برنامه هم دو وظیفه اصلی را به عهده خواهد داشت: نخست اینکه به دولت نظم و انضباط توسعه‌ای دهد و دوم اینکه دیوسالاری را از بابش کند.

• اگر نگاهی به تاریخ سازمان برنامه نشان می‌دهد که بعد از انقلاب همواره تهمت غربی‌بودن به آن زده شده است و احتمال دارد پس از احیای مجدد این سازمان، باعث بازگشت این طرز تفکر شریانه نگرشی که شاید به واسطه احسـاس ضد غربی بخشی از جامعه خطرناک نیز باشد.

این تفکر ظلم بسـیار بزرگی بود نسبت به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و همچنین ظرفیت‌های دیوسالاری کشـور. در کشور ما همگی فراموش می‌شـود که در امر توسعه نمی‌شود همه چیز را دوباره اختراع کرد. امروز اگر علم به این نتیجه رسـیده اسـت که دو دوبـاره دو می‌شـود چهار، دیگر نیازی به باختن چرخ دوبـاره و ما نباید دنبال کشـف مجدد چند چهار باشـیم. در اینکه قبل از انقلاب کارشناسان سازمان مدیریت در اسـتخدام کجـا بوده‌اند و در زمان شکل‌گیری سـازمان کمک بسـیاری از طرف آنها دریافت شـد، شـکی نیسـت، اما ما شاهد هسـتیم که برنامه‌های توسـعه‌ای که سازمان از لحاظ قانونی مجلس شورای اسلامی برای آن تعیین تکلیف می‌کند، به‌عنوان یک کتاب گذاشـته شـده. بنابراین در یک کلام می‌توان گفت تهمت غربی‌بودن به سازمان برنامه‌ای که به جنگ متعهد بوده، مسایل فرهنگی و اجتماعی جزو دغدغه‌هـای آن بوده و حفظ منابع ملی و محیط‌زیسـت را رج نهاده، نمی‌جسـبد.

• آیا همین جنس یعنی آقایان موسوی، هاشمی و حتی خاتمی بعضا موضع‌گیری‌های تندی علیه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی داشتند.

درسـت اسـت. اجـازه دهید کمی به عقبتر برگردیم. در بـه حد آخر توسـعه شـتابان و همه‌جانبه شـده اسـت، محورهای اسـتوره بر پایه سـرمایه انسـانی و تکنولوژیکی اسـتوار شـده اسـت. پس ما در سال‌های مورد اشاره به یک سازمان قدرتمندتر و کارآمد‌تر نیاز شـاه نیاز داشتیم. ما درست در زمانی که باید بیاد می‌شـدیم و به ایران ماندن ایمـان می‌دادیم شروع به سـرکوب این سازمان و در نهایت تعطیل کردن آن کردیم. در احیـای مجـدد دوران آقـای موسـوی، اعتماد بدنه جدا شده از سـازمان با التمامی و مشفقانه‌های دوران جلب شـد. در دوران آقایان هاشـمی و خاتمی آرامش و ثبات نسـبی در سـازمان حاکم بود اما نکته‌ای که وجود داشت بود که دولتمردان وزرا و فرماندهان لازم از سازمان را نداشـتند. برای همین در مواقعی که نیاز به شهروندی و ارایه برنامه بود سازمان اصـیل بود می‌کرد و در طول سال نگاه فلکـوار به آن می‌شـد. در دوران هاشـمی و خاتمی برگ‌برنین مشکل سازمان برنامه مطالبات غیرقانونی آنها بود که سازمان از لحاظ قانونی مجلس شورای اسلامی برای آن تعیین تکلیف می‌کند، بنابراین بر یک کلام می‌توان گفت تهمت غربی‌بودن به سازمان برنامه‌ای که به جنگ متعهد بوده، مسایل فرهنگی و اجتماعی جزو دغدغه‌هـای آن بوده و حفظ منابع ملی و محیط‌زیسـت را رج نهاده، نمی‌جسـبد.

• ما در سال‌های مورد اشاره به سازمان قدرتمند‌تر و کاراتر از زمان شاه نیاز داشتیم. اما درست در زمانی که باید بیدار می‌شدیم و به این سازمان احیایی ما دیم شروع به سرکوب این سازمان و در نهایت تعطیل کردن آن کردیم. در احیای مجدد دوران آقای موسوی، اعتماد بدنه جدا شده از سازمان با التمامی و مشفقانه‌های دوران جلب شد

در ایران چون احزاب قدرتمند وجود ندارد مردم اکثرا رای می‌دهند تا مانع از پیروزی برخی از کاندیداها شوند. به نظر من تمکین تمام ارکان حاکمیت باید به رای مردم باشد. تحقق این مهم نیز نیازمند تعهد وزرا به خواسته‌های مردم و تشکیل یک قوه‌مجریه هماهنگ، همگرا و کارآمد است تا بتواند با کمک سـایر قوا پاسـخگوی مطالبات مردم باشـد. قطعا دکتر روحانی به این مساله واقف است. چراکه برخلاف دیگران من بر این باورم که معیشـت عادل اصلی رای‌آوری نبود و دغدغه مردم در این انتخابات تنها معاش نبود و مسایل دیگری هم در آن دخیل بود. در این دوره مردم احسـاس می‌کردند آنطور که باید کرامتشـان پاس داشته نمی‌شود. این موضوع بسـیار مهمی اسـت که در بسـیاری از مواقع در نزد مردم نسـبت به معاش ارجحیـت دارد. بخطور مثال جنگ با عراق کشـور را فقیر کرده بود و مشـکلات بسـیاری در کشـور وجود داشـت اما نه تنها نارضایتی وجود نداشـت بلکه مردم احسـاس کرامت داشـتند. در سال‌های اخیر کرامت مردم مورد تعرض قرار گرفت و برای همین اسـت که می‌گویم برگرداندن کرامت بسـیار مهم‌تر از معاش بود. پس اگر بخواهیم دلیل موفقیت دکتر روحانی در انتخابات را مورد بررسی قرار دهیم به اینجا می‌رسیم که یک سلسـله مشـکلات بزرگ پیش‌روی مردم بود و بر همین اسـاس به کسـی رای دادند که جهت‌گیری تدریجی‌تری به مطالبات مردم داشت.

• اگر شما بر هماهنگی و همراهی وزرا در کابینه یادزهم‌است. اما گمانه‌زنی‌های روزهای اخیر نشـان می‌دهد که احتمال حضور سـابق‌ها، مختلف در کابینه وجود دارد و شـاید در صورت تحقق، همین موضوع پاشنه آشیل دولت یازدهم لقب بگیرد.

رییس‌جمهور منتخب باید چیدمانی از نیروهای همگرا داشته باشد. این روزها گروه‌های مختلف سیاسـی که بعضا پشت آنها رانت‌هایی هـم وجـود دارد در حال وزن‌کشـی برای کابینه یادزهم هسـتند. رییس‌جمهور منتخب باید هوشـمندانه با این موضوع برخورد کند چراکه در غیر این صـورت یک دولت ناهمگن و ناهنجاب خواهیم داشت که شرکت سهامی جناح‌های مختلف خواهد بود. در این صورت به جرات می‌توان گفت این دولت نه تنها اهداف و خواسـته‌های مردم را تحقق نخواهد بخشید، بلکه مشکلات فعلی را نیز عمیق‌تر خواهد کرد.

• در سال‌های مورد اشاره به سازمان برنامه‌ریزی کشور را در دست گرفت و ولی در نهایت رضایت بسیاری از رای‌دهندگان جلب نشد.

در آن زمان هم خود ما کوتاهی کردیم و فهم عمیقی از مسـایل کشـور نداشتیم و هم اینکه بخش اعظمی از آنان حاکمیت تمایلی برای این کار نداشتند.

• آیا در دولت یازدهم با توانمندی فهم عمیق از مسایل و چرایی شکسـت برنامه‌های نوسـازی و به‌روزرسـانی سـازمان، برای همین سـراغ رییس سـابق سـازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشـور رفتیم تا احیای مجدد سـازمان برنامه و چالش‌های پیـش‌روی دولت یازدهم را با وی در میان بگذاریم. به پیشـنهاد من قرار شد مصاحبه در کافه‌ای دنج و آرام صورت گیرد و وقتی مشـخص‌کردن کافه مورد نظر هم به خودم واگذار شد. اصلا فکر نمی‌کردم انتخابم زمینه‌ساز شنیدن خاطرات سال‌های دور دکتر سـتاری‌فر و البته ملاقات وی با بسیاری از دوستان و صاحب‌منصبان قدیمی باشد. ستاری‌فر خوشحال بود از احیای مجدد سازمان برنامه، درسـت مثل کسی که فرزندش از اسارت بازگشته باشد. وی انتخاب «روحانی» را گامی رو به جلو ارزیابی کرد و همگرایی را لازمه موفقیت دولت وی دانست. ارتکاه فلک‌گونه به سازمان مدیریت در دولت‌های قبل از نهم کلایه کرد و بودجه سال ۹۲ را بزرگ‌ترین چالش پیش‌روی دولت خواند. ستاری‌فر اشـاره‌ای هم به هدفمندی یارانه‌ها داشت و صحبت‌های عجیبی در مورد تخلفات و عدد‌سازی‌های صورت‌گرفته در این حوزه کرد. گفت‌وگوی ما با دکتر محمد ستاری‌فر، رییس سابق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور را در ادامه بخوانید:

اما من با شناختی که از آقای روحانی دارم معتقد هستم این اتفاق رخ نخواهد داد چراکه نظر ایشـان برقراری نظام تدبیر اسـت. از منظر علم اقتصاد این نظام دارای انضباط و انسـجام و همگرایی اسـت. البته دولت نباید از یک نحله فکری باشد بلکه حضور تفکرات دیگر نیز در کابینـه ضروری اسـت. چراکه این تفکرات مختلف هسـتند که می‌توانند مسایل و موضوعات مختلف را از زوایای گوناگون مورد مطالعه و بررسی قرار دهنـد. از این تفکرات مختلف در هیـات وزیران به همگرایی تبدیل شـوند می‌توان گفت کابینه‌ای همگرا وجود دارد که با بررسی همه‌جانبه موضوعات در نهایت حول یک تصمیم اتفاق‌نظر دارند که این تصمیم اتفاقی در دولت رخ دهد می‌تواند این امیدواری را داشـته که همگرایی از سطح دولت عبور کرده و با هماهنگی سایر قوا عاملی باشد برای شـاب‌گرفتن توسعه. در این صورت اسـت که می‌توان گفت توسعه شکل می‌یابد. حبله‌های رانتی را نمی‌پروراند، آرامش برقرار می‌شود و نگرانی‌های سیاسی و اقتصادی بر طرف می‌شود و در عرصه جهانی از ایران به‌عنوان دولت و ملت قابل پیش‌بینی یاد می‌شود. در صورت وجود این همگرایی است که می‌توانیم فرصت‌ها را شناسایی کنیم و با کاهش هزینه مبادله، سـرعت بیشتری در رشد اقتصادی و توسعه داشته‌باشیم.

• چه تضمینی برای تداوم و پایداری این همگرایی وجود دارد؟

با برقراری همگرایی در کابینه می‌توان گفت که فرصت توسـعه در کشور فراهم شده اسـت. در بسـیاری از مواقع بعد از اینکه همگرایی اولیه شکل گرفت به دلیل نبود برنامه، عدم مراقبت و احسـاس‌بودن، همگرایی شـکل گرفته به تعارض تبدیل می‌شـود. پـس باید از این همگرایی مراقبت شـود و همه موارد براسـاس برنامه پیگیری شود. یکی از روش‌های حفظ پایداری همگرایی در دولت، داشتن تشکیلات تصمیم‌ساز اسـت که یکی از این تشکیلات می‌تواند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی باشـد. با احیای مجدد سـازمان برنامـه، معاونت‌های برنامه‌ریزی هر وزارتخانه می‌توانند در یک رفت و برگشـت سرنخ‌گیر ساماگونه، فرآیند مسـتمر تبادل اطلاعات را داشته باشند. سازمان مدیریت بـه این‌جا یا کمـک نخبگان و بدنه کارشناسـی خود و وزارتخانه‌ها باید تلفیق‌کننده برنامه‌ها و رویکردهای کلان کشور باشد. براسـاس نامه‌ای که مـن در دوران آقای خاتمی به رهبری نوشـتم سـازمان مدیریت در درون خود نیازمند بازسـازی و نوسـازی گسـترده بود تا از این طریق تعامل با سـازمان‌ها و تصمیم‌سـازی کارآمد در چارچوب تسـمه‌گرایی محقق شـود. پس اگر این سازمان بتواند جمن رسـمین به بازسـازی مورد نظر و وظایف خود عمل کرده و جریان مسـتمر رفت و برگشت اطلاعات را با وزارتخانه‌ها برقرار کند، می‌توانـد به همگرایی در درون دولت کمک کند و در طرف دیگر به میزانی که این سـازمان از قابلیت خود قدرت کند، این همگرایی به واگرایی تبدیل می‌شود. بنابر این نظام، تدبیری که آقای روحانی اشاره کرده اسـت به صورت اغلق و عمودی برنامه‌های زیادی در پیش‌رو دارد که یکی از آنها تشـکیل سازمان برنامه گوسرانت. در این شرایط سازمان برنامه هم دو وظیفه اصلی را به عهده خواهد داشت: نخست اینکه به دولت نظم و انضباط توسعه‌ای دهد و دوم اینکه دیوسالاری را از بابش کند.

• اگر شما بر هماهنگی و همراهی وزرا در کابینه یادزهم‌است. اما گمانه‌زنی‌های روزهای اخیر نشـان می‌دهد که احتمال حضور سـابق‌ها، مختلف در کابینه وجود دارد و شـاید در صورت تحقق، همین موضوع پاشنه آشیل دولت یازدهم لقب بگیرد.

رییس‌جمهور منتخب باید چیدمانی از نیروهای همگرا داشته باشد. این روزها گروه‌های مختلف سیاسـی که بعضا پشت آنها رانت‌هایی هـم وجـود دارد در حال وزن‌کشـی برای کابینه یادزهم هسـتند. رییس‌جمهور منتخب باید هوشـمندانه با این موضوع برخورد کند چراکه در غیر این صـورت یک دولت ناهمگن و ناهنجاب خواهیم داشت که شرکت سهامی